

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه شصت و نهم 96/12/12

آشنایی با فرق کلامی اهل سنت (35) - مبانی فکری وهابیت

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله

بحث ما در رابطه با وهابیت بود که اینها مبانی فکرشان چیست؟ به عبارتی از عبدالله یا عبدالشیطان بن جبرین رسیدیم ایشان یکی از مفتیان متشدد وهابیت است و ظاهراً يك عداوت خیلی شدیدی با شیعه دارد، از خود ابن تیمیه و محمد ابن عبدالوهاب هم ایشان متشددتر است و چه بسا فتاوای این شخص هم بر قضایای اخیر و داعش سازی بی تأثیر نبود.

به نظر من جا دارد واقعاً لجنه‌ای از دوستان درست بشود که بتوانند بعضی از افکار ایشان را نقد بکنند. ایشان حرف‌های بی‌اساس زیاد دارد.

مجموع فتاوای ایشان را در يك کتابی تحت عنوان اللؤلؤ المکین من فتاوی الشيخ ابن جبرین (لعنه الله تعالی) جمع کرده اند. 216 صفحه است 462 سوال از ایشان سوال کردند. غالب سوال‌هایی که از ایشان پرسیدند مربوط به شیعه است من جمله ایشان به صراحت می‌گوید:

«فالرافضة بلا شك كفار لأربعة أدلة»

چهار دلیل داریم که شیعه کافر است.

در بعضی از جاها دارد که سه دلیل داریم - می‌گویند آدم دروغگو کم حافظه است! - من کل فتاوی ایشان را جمع کردم. از ایشان در رابطه با تحریم بنای قبور و بسیاری مسائل دیگر سوال شده که پاسخ داده است. در يك جا سوال کردند:

«أنا أعمل في دائرة حكومية»

من در یکی از ادارات دولتی کار می‌کنم و بعضی از کارمندان شیعه وقت نماز، در نمازخانه می‌آیند غیر از نمازی که

«وردت عن المصطفى»

به صورت نمازی که از پیغمبر صلی الله علیه وآله وارد شده نماز نمی‌خوانند برخلاف دستور پیغمبر نماز می‌خوانند!

«ولقد بينا لهم الصلاة الصحيحة»

نماز صحیح را هم به این‌ها یاد دادیم.

که چطوری نماز صحیح بخوانید و نمازی که می‌خوانید غیر صحیح است

«ولكنهم اصرروا على صلاتهم فهل نمنعهم من أداء الصلاة أم لا؟»

اصرار دارند که نماز باطل خودشان را بخوانند، آیا مانع نماز خواندن این‌ها در نمازخانه اداره بشویم یا نه؟

ببینید تا چه اندازه وقاحت! جواب را ببینید!

«فعليك أن تسألهم عن صلاتكم هل هي صحيحة أم باطلة فإن قالوا صحيحة»

سوال کنید نمازی که می‌خوانید صحیح است یا باطل است؟ اگر گفتند نماز شما اهل سنت صحیح است

«فألزمهم بالصلاة معكم»

اگر نماز این سنی‌ها یا وهابی‌ها صحیح است شما باید مثل این‌ها یا با این‌ها نماز بخوانید و اگر گفتند نه نماز شما باطل است سوال کنید چرا نماز ما باطل است؟

«فإن زعموا أنكم على ضلال»

اگر تصور کردند که شما گمراه هستید

«وخطؤوكم وأبطلوا عباداتكم فقد كفروكم»

وگفتند شما به خطا رفتید عبادات شما را هم باطل کردند در حقیقت شما را تکفیر کردند!

اگر گفتند که شما گمراه هستید و عبادت‌تان باطل است شما را تکفیر کردند!

«ومن كفر المسلمين فهو الكافر»

کسی که مسلمان‌ها را کافر بداند خودش کافر است!

استدلال را ببینید! اگر گفتند عبادت شما باطل است یعنی شما کافر هستید! حالا شما که به دوپست، سیصد

میلیون شیعه می‌گویید نماز شما باطل است؛ پس شما هم کافر هستید فرقی نمی‌کند! الکلام، الکلام!.

می‌گوید اگر این‌طوری است

«فامنعوهم من الصلاة»

نگذارید در نمازخانه شما بیایند نماز بخوانند

«لأنهم قد فعلوا ما يكفرون به وهو تكفيركم وبطلان الصلاة خلفكم فلا صلاة لهم ولا عبادة لهم»

اصلاً نمازی ندارند عبادتی نمی‌کنند اگر این‌ها، نماز مخالف نماز شما بخوانند

«فامنعوهم حتی یذهبوا إلى بلادهم ویصلوا فی معابدهم الخاصة بهم»

اصلاً این‌ها را از شهرتان هم بیرون کنید بروند در شهر خودشان در نمازخانه‌های خودشان نماز بخوانند.

این یکی از نمونه‌های استدلال این آقا است باز در يك جایی از او سوال می‌کنند می‌گوید:

«نحن نكفر عامتهم بثلاثة أمور»

به سه دلیل ما شیعه را کافر می‌دانیم.

1- «الطعن في القرآن: حيث يدعون أن الصحابة حذفوا أكثر من ثلثه»

2- «الطعن في الصحابة وفي السنة؛ حيث إنهم لا يقبلون الأحاديث التي في الصحيحين ولا يقبلون أحاديث

الصحابة لأن الصحابة عندهم كفار.»

3- «الغلو؛ حيث أدى بهم إلى عبادة علي والحسين ودعائهم دائماً، وليس لأحد منهم عذر في هذه الأزمنة؛ لأن

السنة قد اشتهرت وطبعت مؤلفاتها.»

دیگر عذری بر شیعیان نیست چون آن سنت واقعی برای همه روشن شده است!

بن جبرین ده‌ها مورد فتوا از این قبیل دارد. حتی از او سوال می‌کنند حکم ذبیحه شیعه چیست؟ می‌گوید:

«فلا يحل ذبح الرافضي، ولا أكل ذبيحته فإنّ الرافضة غالباً مشركون، حيث يدعون على بن أبي طالب دائماً في

الشدّة والرخاء حتى في عرفات والطواف والسعي»

...حتی در عرفات و طواف و سعی

«ویدعون أبنائه وأئمتهم كما سمعناهم مراراً، وهذا شرك أكبر، ورده عن الإسلام يستحقون القتل عليها»

این نمونه‌ای از فتاوی این خبیث است که خدا به حق حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها به اشدّ عذاب و به اشدّ لعن گرفتارش کند که این‌ها سنت پیغمبر صلی الله علیه وآله را بازیچه دست‌شان قرار دادند.

در ادامه می‌گویید این‌ها:

«یعبدون علیاً والحسین»

شما حتی اگر از پیرزن و پیرمردی که حتی سواد خواندن و نوشتن ندارند سوال کنید که مادر! پدر! شما آیا علی را می‌پرستید؟

لنگه کفشش را در می‌آورد به دهانت می‌زند و می‌گوید: این چه حرف غلطی است که می‌گویی؟ علی ابن ابیطالب، بنده‌ایی از بندگان خدا است، امام حسن یکی از بهترین بندگان خدا است. چون از بهترین بندگان خدا است خدای عالم به او عنایتی کرده و قدرتی داده و ما او را صدا می‌کنیم و از او کمک می‌گیریم.

همان‌طوری که فرزندان یعقوب می‌گویند:

(یا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا)

سوره یوسف (12): آیه 97

ما هم می‌گوییم:

«یا وجیهاً عندالله اشفع لنا عندالله»

شما می‌گویید آن‌ها نمی‌شنوند و ما معتقد هستیم به اذن الله می‌شنوند این دعوا ندارد اجتهاد ما این است اجتهاد شما آن است به فرض اگر ما در اجتهاد خطا کردیم شما می‌گویید:

«من اجتهد و أخطأ فله أجر واحد»

تفسیر البیضاوی ، ج 2، ص 76، اسم المؤلف: البیضاوی الوفاة: 685، دار النشر: دار الفكر - بیروت

تکفیر و فتوای قتل برای چیست؟ روی چه اصل و انگیزه‌ای است؟ آیا ما آیه‌ای داریم که اگر کسی یا علی و یا رسول الله گفت کافر است؟ حدیثی در این زمینه داریم؟ یک حدیث جعلی و حدیث موضوعه به ما بدهید که پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که:

«من دعانی او دعا اهل بیتی»

یا:

«من قال یا رسول الله»

یا:

«من قال یا علی فهو کافر»

بلکه به عکسش را ما داریم که بلال ابن حارث کنار قبر پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم می‌رود می‌گوید:

«يَا رَسُولَ اللَّهِ، اسْتَسْقِ لِأُمَّتِكَ فَإِنَّهُمْ قَدْ هَلَكُوا»

ابن أبي شيبَةَ الكوفي، ابوبكر عبد الله بن محمد (متوفى 235 هـ)، الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، ج 6، ص 356، ح 32002 (ج 7، ص 483 طبق برنامه مكتبة اهل البيت)، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ناشر: مكتبة

الرشد - الرياض، الطبعة: الأولى، 1409 هـ. طبق برنامه الجامع الكبير.

یا در قضیه آن نابینا بعد از گذشتن بیست و پنج، سی سال طبق دستور عثمان ابن حنیف طرف در خانه‌اش نماز می‌خواند و متوسل به پیغمبر صلی الله علیه وآله می‌شود و یا رسول الله می‌گوید مشککش حل می‌شود.

به عکسش را ما داریم هم آیه قرآن و هم روایات صحیح و صریح در این زمینه موجود است.

یا این که می‌گوید در بیابان گیر کردید بگویید:

«یا عِبَادَ اللَّهِ أَعِيْثُونِي»

المعجم الكبير ، ج 17، ص 117، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني الوفاة: 360 ،
دار النشر : مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983 ، الطبعة : الثانية ، تحقيق : حمدي بن عبدالمجيد السلفي

ابن تیمیه به صحت این روایت فتوا داده، احمد ابن حنبل و دیگران به صراحت می‌گویند به این که من بارها در
بیابان گرفتار شدم و مُشرف به هلاک بودم و گفتم

«یا عِبَادَ اللَّهِ أَعِيْثُونِي»

آقای بیهقی در کتاب شعب الإیمان می‌گوید: اگر کسی در بیابان گیر کرد ؛

«فليقل عباد الله أعيثونا أو أعينونا»

شعب الإیمان، ج 6، ص 128، اسم المؤلف: أبو بكر أحمد بن الحسين البيهقي الوفاة: 458 ، دار النشر : دار
الكتب العلمية - بيروت - 1410 ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : محمد السعيد بسيوني زغلول

اگر دعای غیرالله شرك است قضیه این چیست؟

احمد ابن حنبل می‌گوید من پنج حج رفته دو بار سواره، سه با پیاده در یکی از این سفرها راه را در بیابان گم
کردم نمی‌دانستم چه کار کنم و می‌گفتم

«یا عباد الله دلوني على الطريق»

آیا این دعای غیرالله هست یا نه؟! اصلاً ما چیزی نمی‌خواهیم بفرمایید شما معتقد هستید احمد ابن حنبل، رئیس شما است شما می‌گویید ما تابع احمد ابن حنبل هستیم هم روایت نقل می‌کند و هم سیره خودش را نقل می‌کند در حقیقت کار دو قبضه می‌شود.

پرسش:

درخواست از زنده‌ها را هم مشکل می‌دانند؟

پاسخ:

نه درخواست از زنده‌ها را مشکل نمی‌دانند اتفاقاً یکی از چیزهایی را که زینی دحلان می‌گوید همین است که اگر این مبانی شما باشد شما هم کافر هستید و از زنده‌ها کمک می‌گیرید. اگر کمک از غیر خدا شرك است فرقی نمی‌کند که کمک از زنده باشد یا از مرده باشد. فرد دارد غرق می‌شود به غریق نجات می‌گوید نجاتم بده آیا این شرك و کفر است یا نه؟

به قول آقای قرائتی می‌گفت من در قبرستان بقیع، با یکی از وهابی‌ها بحثم شد گفت شما چرا یا علی و یا حسین و ... می‌گویید؟ کاری از آن‌ها ساخته نیست بعد تسبیح دستش بود زمین انداخت گفت یا حسین تسبیح را به دستم بده! نداد. گفتم آقا تسبیح را به من بده، تسبیح را داد من تسبیح را زمین انداختم گفتم یا الله تسبیح را به من بده؛ گفتم پس چرا خدا تسبیح را به من نداد؟! می‌گفت همه خندیدند و خجالت کشید و راهش را گرفت و رفت گفت باید با این‌ها، این‌طوری برخورد کرد، اجابت دعا و غیره این‌طوری نیست که هر آدم ناپاکی بیاید بگوید تسبیح را به من بده، خودکار را به من بده، فلان کار را انجام بده یا فلان کار را انجام نده، يك شرایط و مقدمات و ملحقات و ... دارد آخر این چه حرفی شما می‌زنید؟!!

ابن حنبل می‌گوید من به قدری یا عبادالله گفتم تا:

« وقفت على الطريق »

این نقل قول است البته روایت خیلی زیاد است.

باز ابن حجر عسقلانی همین را می‌گوید:

«لله ملائكة في الارض سوى الحفظة يكتبون... أَصَابَ أَحَدَكُمْ عَرَجَةٌ»

اگر گرفتاری پیدا کردید

«بَارِضٍ فَلَاةٍ فَلَيْئَادٍ أَعِيْثُوا»

مجمع الزوائد ج 10، ص 132

می‌گوید:

«هو إسناد حسن»

از این بهتر!

پرسش:

ما هم اگر در بیابان گم شدیم یا صالح یا ابا صالح می‌گوییم .

پاسخ:

فرقی نمی‌کند همین‌ها است برای ما هم معتبر است.

در سلسله الاحادیث الضعیفة ایشان همین عبارت را می‌آورد:

«يا عبادالله هو الملائكة»

و عبارت احمد ابن حنبل را می‌آورد می‌گوید:

«من طریق عبدالله بسند صحیح»

همین که بی‌هقی نقل کرده آلبانی می‌گوید سند این روایت، صحیح است نمی‌آیند بگویند این که از احمد ابن حنبل نقل کردند دروغ است.

ایشان می‌گویند نه، روایت قضیه‌ای که از احمد ابن حنبل نقل می‌کنند سند، سند معتبر و صحیحی است در هر صورت این یکی از مباحثی است که باید دوستان کار بکنند. من عرض کردم که دوستان يك لجنه‌های دو نفره و سه نفره درست کنند و روزهای چهارشنبه هم که دوستان مانند آقای روستایی و ابوالقاسمی در خدمت دوستان هستند.

من می‌گویم یکی از کارهایی که برای جوان‌های ما ضرورت دارد این است که هم راه پاسخ دادن را بدانند و یا این که دوستان یا کسی روی شبکه‌های وهابی می‌رود این مطالب را بیابند مستدل و مستند برای این‌ها مطرح کنند یعنی بگویند علی گفتن شرك است؛ پس احمد ابن حنبل، اولین مشرك است که می‌گوید:

«یا عباد الله اغیثونی»

فرقی نمی‌کند چه بگوییم

«یا علی اغیثونی»

یا بگوییم:

«یا عباد الله اغیثونی»

یا علی می‌گوییم حداقل مشخص است چه کسی را صدا می‌کنیم یا عباد الله خودش نامشخص است هیچ خبر نداریم چه است تازه بدتر هم است.

مخصوصاً اگر روی کتاب اللؤلؤ المکین این خبیث، خوب کار و تحقیق بشود جواب داده بشود هم جواب حلّی و هم جواب نقضی! البته اگر در يك جا ما جواب بدهیم شاید در سی تا فتوایی که ایشان داده در همان سی تا فتوا کاملاً می‌آید.

یا حداقل کتاب ایشان موضوع بندی بشود شبهاتش ردیف بشود که در این کتاب ایشان بیست تا سی تا شبهه را مطرح کرده به این‌ها جواب داده بشود و در فضای مجازی پخش بشود و در اینترنت وبلاگ گذاشته بشود و این‌ها به نام دوستان چاپ بشود، امروز دفاع از کیان تشیع و دفاع از اهل بیت علیهم السلام از اوجب واجبات است.

در روایتی آمده است که در زمان غیبت، اگر علمایی نبودند که از کیان تشیع دفاع کنند و شبهات نواصب را جواب بدهند

«لما بقي أحد إلا ارتد عن دين الله»

عوائد الأيام - المحقق النراقي - ص 533

الان هم وهابیت از يك طرف، احمد الحسن خبیث و طرفدارانش از طرف دیگر که واقعاً هر روز خبرهای ناگواری از جاهای مختلف می‌رسد اخیراً به هیئت‌های عزاداری و غیره رفتند و در آن جا فعالیت می‌کنند.

آن‌ها هم سواد و اطلاعات آن‌چنانی ندارند روی علاقه و عشقی که به حضرت ولیعصر ارواحنا فداه دارند با این برنامه‌ها از راه بیرون می‌روند.

متأسفانه بعضی از بزرگواران ما که در حوزه پاسخگویی هستند روش پاسخگویی را نمی‌دانند، روش مناظره را نمی‌دانند بدبختی ما این‌جا است همین دیروز در تهران يك شخص هیئتی که منحرف شده و احمد الحسنی شده خواسته بودند که يك کسی برود با ایشان مناظره کند.

یکی از شاگردان رتبه سوم و چهارم ما کسی که نه حوزه دیده و نه دانشگاه دیده در آن‌جا رفته با این شخص احمد الحسنی مناظره کند.

یکی از اساتید متخصص پاسخ به شبهات احمد الحسنی هم که ناظر بوده روش مناظره ایشان را دیده اصلاً تعجب کرده بود و گفته من از این روش مناظره شما لذت بردم.

می‌گفت هیچ جوابی نداشت که به من بگوید. این يك مناظره است! يك مناظره‌ی دیگر هم دو سه هفته قبل یکی از اساتید رفته مناظره کرده نه تنها آن شخص از اعتقاد باطلش دست برداشته ، بلکه آن روحانی و استادی که نظاره‌گر هم بوده به شک افتاده بود!

طرف را برای بازجویی می‌فرستند، خودش احمد الحسنی می‌شود! من از عزیزان تقاضا می‌کنم یا میدان نیابید و اصلاً این بخش را رها کنید و روی مسائل فقه و اصول و طهارت و نجاست و حیض و نفاس و غیره که الحمد لله در حوزه است بروید و اصلاً در بحث‌های ما هم نیابید یا اگر آمدید جانانه بیابید.

من نمی‌گویم سمندر باش یا پروانه باش / گر به فکر سوختن افتاده‌ای مردانه باش.

امروز صدای هل من ناصر حضرت ولیعصر ارواحنا فداه، والله العلی الاعلی از در و دیوار برخاسته است، دشمن دارد در درون خانه ما، هر روز عملیات جدیدی مرتکب می‌شود و جوان‌های ما را به تعبیر مقام معظم رهبری به قتلگاه می‌برند.

متأسفانه حوزه ما هنوز خواب است به قول آقای فلسفی رحمت الله عليه ایشان می‌گفت نسل آهوپی داشت منقرض می‌شد، رفتند از جایی تعدادی آهو آوردند پرورش بدهند که نسل‌شان منقرض نشود.

بعد از هفت هشت ماه دیدند آهوها بیمار می‌شوند هر چه پزشك آوردند و دارو دادند دیدند هیچ فایده‌ای ندارد، يك روان‌پزشکی گفت من درست می‌کنم گفتند چه کار می‌کنی؟

گفت این‌ها در جزیره‌ای راحت می‌خورند و می‌خوابند تحرك و فعالیتی ندارند، يك گرگی در میان این‌ها بیاندازید درست می‌شوند! گفتند گرگ می‌آید آن‌ها را تکه تکه می‌کند نسل این‌ها دارد منقرض می‌شود.

گفت چهار پنج تا از بین می‌روند ولی مابقی خوب می‌شوند بالاخره تصمیم گرفتند و گرگی به جان آهوها انداختند چهار تا از این آهوها را خورد مابقی پا به فرار گذاشتند و جنب و جوش پیدا کردند همه سر حال آمدند. من معتقد هستم شاید در مورد قضیه احمد الحسن، آقا ولیعصر ارواحنا فداه ما حوزوی‌ها را گرفتار کرده گرگ‌هایی را به جان خودمان انداختند.

ما که به فکر مبارزه با وهابی‌ها نبودیم، به فکر داعشی‌ها نبودیم، به فکر آتئیست‌ها نبودیم. حالا يك گرگی در داخل حوزه آمده است. حداقل برای دفاع از کیان حوزه و از کیان رفقای خودمان هم که شده فعالیت کنیم.

می‌گویند يك زمانی تنبل خیلی زیاد شده بود پادشاه دستور داد همه تنبل‌ها را جمع کنند داخل آتش بیاندازند وقتی این‌ها را داخل آتش انداختند همه گفتند ای وای سوختیم. يك تنبلی گفت عوض من هم بگو سوختم! من حوصله این‌که بگویم سوختم هم ندارم! ما می‌ترسیم قضیه ما با احمد الحسن این‌طوری باشد نه تنها به قول معروف احساس سوختن نکنیم بلکه به دیگران بگوییم عوض ما هم بگویند ما هم سوختیم.

در هر صورت این کتاب بن جبرین از آن کتاب‌هایی است که نیاز به بررسی و تحقیق دارد هم جواب‌های حلی می‌طلبد و هم جواب‌های نقضی می‌طلبد، کتاب در اینترنت است دوستان می‌توانند دانلود کنند.

اگر دانلود نشد من کتاب را می‌دهم دوستان در کانال می‌گذارند تا رفقا هم آن کتاب را و هم دیگر فتاوی‌ای
ایشان را که وجود دارد تقریباً 10-15 فتوای این‌طوری داده خدمت دوستان تقدیم می‌کنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته